

امپریالیستها ، بورژواهای وابسته و کلیه
ارتجاعیون داخلی همگی دشمنان خلق ما هستند و نفرت
انگیزند ولی نفرت انگیزتر از همه آنها فرصت طلبان
بی عمل هستند که کمبود انرژی خود را در پوششی از
عبارات عاریتی پنهان داشته اند و بدین ترتیب خود
را نه در صف خلق بلکه در صف دشمنان خلق قرار
داده اند .

چریک فدائی شهید رفیق مهدی فضیلت کلام

عس : شادروان دکتر سید حسین فاضلی
کلماتهای جبهه ملی ایران در خروج از کشور
« بخش خاورمیانه »

تیرماه ۱۳۵۳

دوره چهارم

پاره ۵۵ - سال چهارم

فوزندان راستین خلاق

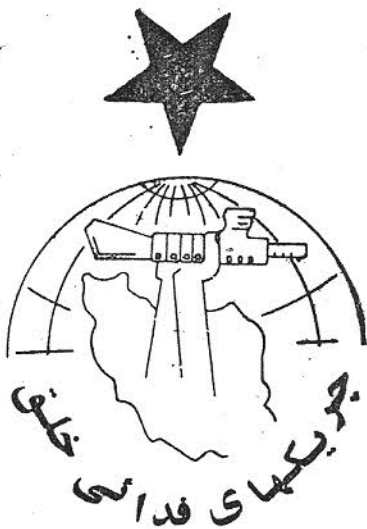
بیاد رفیق شهید کرامت الله دانشیان

رفیق شهید کرامت الله دانشیان در سال
۱۳۲۵ در شهر کازرون بدنیا آمد ، پدرش درجه
دار ارتش بود (که گویا پس از باز نشستگی مأمور
ساواک شده بود و بهمین علت کرامت مادر بزرگ ،
مادر ، خواهر و برادر کوچکش را نزد خود برده بود و
مخارج ایشان را شخصاً تمهید کرده بود . با پدرش
قطع رابطه کرده و برادر کوچک او نیز بهمین علت
مجبور شده بود برای کسب روزی خانواده کار کند .
تحصیلات متوسطه را در تبریز در دبیرستان منصور
بیابان رساند و دیپلم طبیعی گرفت . در این ضمن زبان
ترکی را نیز چنان خوب یاد گرفته بود که مانند یک
آذربایجانی بان سخن میگفت .

در فعالیتهای ورزشی شرکت میجست و چندین
بار در ورزش بوکس بمقام قهرمانی آموزشگاههای
آذربایجان رسید و یکی از دو نفر سریعترین مشت زنان
ایران محسوب میشد . برای اولین بار در دبیرستان
آگاهی سیاسی او رشد نموده و فعالیتهایی هم میکند .
پس از اخذ دیپلم به سرپازی به پادگان تبریز اعزام می
شود و پس از شش ماه دوره تعلیماتی بعنوان سپاهی
دانش به فریدون کنگار در مازندران فرستاده میشود .
در دوره خدمت سپاهی رفتار انسانی او با روستائیان
موجب ایجاد روابط نزدیکی بین او و روستائیان میشود
و بقول خودش این نزدیکی نه تنها بمنوان یک معلم و
دوست روستائیان که بکودکان آنها میآورد بلکه مانند
شاگردی که تا حد امکان در مکتب خلق میآموزد بوده
است . این رابطه چهره واقعی زندگی روستائیان و
رنج و محنتهای آنها را باو نشان میدهد . پس از پایان
خدمت سپاهی بهتران میآید ولی هرگز ارتباطش با
روستائیان قطع نشد ، هرگاه روستائیان فریدون
کنگار به تهران میآمدند حتماً پدیدتس میرفتند و
معمولاً هدایایی برای او میآوردند . در این زمان در
امتحان استخدامی سازمان جنب سیاحان قبول می شرد
ولی پس از دو ماه دوره آموزش از این سازمان استعفاء
میدهد .

درسال ۱۳۴۷ - پس از موفقیت در کنکور
تلویزیون ملی در رشته کارگردانی مشغول تحصیل
میشود . در مدت تحصیل در تلویزیون ملی دو فیلم
ساخت ، که اولی تحلیلی بود از محتوی عملکرد بنیادهای
بخت آزمائی و بر خورد مردم بانها ، دومی فیلمی بود
بنام دولت آباد که آئینهی از زندگی مردم جنوب شهر
تهران بود و در حقیقت تودهنی محکمی به فرهنگ غالب
امپریالیستی و در نتیجه برای سر در آخورهای تلویزیون
خند خلقی غیر قابل تحمل بود . داستان فیلم حول
وجوش حرکت قطارهایی است که ازکنار یک ده در
جنوب تهران میگذرند ، نفت میبرند و مهمات نظامی
میآوردند و با رفت و آمدهای خود زندگی مردم فکرتده
منطقه را بر هم زده اند . و بالاخره برخاستن مردم
علیه قطارها با بیل و کلنگ و داس که سکانسهای آخر ،
قطار بر سر و صدا را میبینی که گر چه با سر و صدای
فراوان آمده اما بیصدا دور میشود و در آخر صحنه بیل

بقیه در صفحه ۴



به سازمان چریکهای فدائی خلق

سبب سالگرد آغاز جنبش مسلحانه

در ایران

اطلاعیه

در تاریخ بیستم بهمن ۵۲ مرکز ستاد ژاندارمری
بزرگ که محل تجمع مستشاران نظامی امریکا و
نارطه چینی رژیم دست نشانده شاه بر علیه
ایرانی است ، با سه انفجار پیایی که توسط
جبهه ملی ، چریکهای فدائی خلق ، انجام گرت ،
بهر آمد و بساط توطئه گران رژیم واریابان نظامی
بی آنان را بر هم ریخت . این عملیات پیاس
ریت خاطره جنبش سیاهکل که در ۱۹ بهمن ۴۹
دید صورت گرفت و بار دیگر حماسه های پر
بردهای سیاهکل و خاطره دلآورهی رزمندگان
ایرانی کردید .

با بهمن ۵۲ مقارن است با آغاز چهارمین سال
ارتوین انقلابی در ایران . سه سال پیش در چنین
زنگوت و خفقان سیاسی حاکم بر میهن ما با شیک
بای رزمندگان و دسته جنگل ، در کوهستانهای
البرز در هم شکست و نقطه عطفی تاریخی در
خلق ما ایجاد گردید . مبارزات سیاسی خلق
پس از کودتای ننگین امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۲
نودی وصف ناپذیر گشته بود میبایست مورد
تکرار گرفته و تغییر اساسی در خطمشی
شود . همیشه در جهت بکار بستن شیوههای
انبارزه سیاسی در عرض ۱۷ سال همگی با
سواچه شده بود و ادامه کار به شیوههای قبلی
نظری گروههای سیاسی منفعل و بی عمل چیزی جز
باعتلائی نمیتوانست محسوب گردد و مبارزینی که
در جستجوی راه حلهای واقعا انقلابی بودند
فرضورت این مسئله را درک میکردند که شیوه
در ایران نباید تغییر بنیادی نماید . از اینرو در
همه چیز پیشروترین و انقلابی ترین فرزندان خلق
است آن موقع در گروههای سیاسی به فعالیت در
کلاسیک اشتغال داشتند پس از یک دوره
تحقیق و بررسی عملی و نظری در مورد شرایط
ایران صادقانه از مشی بی ثمر خود انتقاد کرده
نشمی «مبارزه مسلحانه» را که در جهت ایجاد رابطه
خبر و پیدان کشیدن آنان که راه پایان بخشیدن به
رف سیاسی موجود در جامعه ایران بود ، در پیش
و عملا در صدد اجرای آن برآمدند . بدنیال
بیت گیری نوین ، سازمانهای مسلح پا به عرصه
خبرداشتند و بتدارک عملیات سیاسی - نظامی در
همه که امکانش را داشتند برداختند . بالاخره در
سال پیش در روز نوزدهم بهمن ۱۳۴۹ اولین خیزش نوین
ی توسط پیشروترین فرزندان خلق تحقق یافت .
روز رزمندگان انقلابی با نیروی ایمان و ارادهای
بر از قدرت خلق است در مقابل دشمن تا دندان
خود غام کردند و پرچم مبارزات نوین خلق را

برافراشتند . سه سال پیش در چنین روزی بر طبق
یک طرح تدارک شده یکی از مراکز نظامی دشمن در
شهر سیاهکل گیلان از جانب چریکهای وابسته به
سازمان « چریکهای فدائی خلق » مورد حمله مسلحانه
قرار گرفت و بدین سان آتش نبرد مسلحانه از زیر
بقیه در صفحه ۲

اخبار

★ طبق اخبار رسیده، زندان قصر بعلت تعداد کثردستگیر
شدگان بقدری شلوغ شده که زندانیان را دو شیفت
کرده اند ، یعنی یکدسته از آنها شب میخوانند و دسته
دیگر در روز ، زندان کتبخانیش اینک تمام زندانیان در
شب بخوابند را ندارد .

★ شایع است که سرعنگ ارتتسی که در
حالیتهای ضد رژیم شرکت داشته اند از طرف
رژیم شناخته می شوند ، آنها پس از اطلاع از جریان
تصمیم فرار میگیرند که در کرج دستگیر و بازداشت
می شوند .

★ بانک اصناف قم توسط مبارزین مصادره شد .
★ پولی که برای بانک ملی شعبه بیرجند ارسال میشد
از راه توسط مبارزین مصادره شد .
★ بدنیال دستگیری فریدون تنکابنی نویسنده مبارز،
تمام کتابهای وی از کتابخانهها جمع آوری شده اند .
★ در اسفند ماه کارگران کارخانه چیت ری اعتصاب
کرده و موفق بدریافت اضافه حقوق شدند .
★ طی یک زد و خورد در پارک وی بین انقلابیون و
پلیس ، سه افسر پلیس کشته شدند .
★ طی زدوخوردهائی در خیابانهای شهباز و عین
اندوله چند تن از مزدوران رژیم کشته شدند .
★ در یک برخورد مسلحانه بین انقلابیون و دشمن
که در منطقه مرزی ایران و عراق روی داد ، سرگرد
مجتهدی از قوای دشمن کشته شد .
★ روحانی مبارز آقای عرفا شپازی را برای
بقیه در صفحه ۴

این حق مسلم تودوست که خشونت مهرایم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

اطلاعیه - بقیه

خاکستر سرد سانها حفات و تسلیم سر بیرون آورد و نقطه پایانی بر افسانه «ایران جزیره ثبات و آرامش» که رژیم شاه خائن ادعایش را میکرد نهاده شد. طرح عملیات حمله به مرکز ژاندارمری سیاهکل که مورد نفرت عمیق اهالی روستائی منطقه سیاهکل و دینمان بود و نشان بارز دستگیری رژیم شاه دست نشانده در منطقه محسوب میگردد، از دو ماه پیش از آغاز عملیات دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و تدارکات اطلاعاتی و نظای لازم برای اجرای عمل فراهم شده بود و بنسبیت هم آهنگی این عمل با شاخه‌های شهری سازمان چریکی، روز نوزدهم بهمن در نظر گرفته شده بود. بدینسان عملیات تهاجمی، دسته جنگل طبق طرح پیش بینی شده در شامگاه روز نوزدهم بهمن آغاز گردید و رفقای «دسته جنگل» پس از تصاحب یک اتوبوس و بخش اعلامیه توضیحی در بین مسافرن روستائی آن خود را به شهر سیاهکل رسانیده و پاسگاه ژاندارمری این مرکز ستم بدهتاران را مورد حمله قرار دادند و پس از اعدام مسئول پاسگاه موجودی اسلحه خانه آنجا را بنام خلق پر افتخار ایران تصاحب نموده، و بسمت جنگل عقب نشینی کردند. بر طبق طرح‌های پیش بینی شده «دسته جنگل» میبایست بمنظور احتراز اقدامات مقابله جویانه دشمن بعد از اجرای عملیات فوق از منطقه خارج شده خود را به کوهستان‌های البرز مرکزی میرسانید و آنکه برای عملیات بعدی خود را آماده میساخت و لی در آخرین روزهای قبل از عملیات سیاهکل رفیق صفائی فرمانده «دسته جنگل» طرح ماندن در منطقه و شناسائی ده روزه در منطقه عملیات را پیشنهاد نمود. طبق این طرح که با اقدامات مقابله جویانه دشمن بهای کمی داده شده بود رفقا در منطقه باقی مانده و برای عملیات بعدی که قرار بود چند ماه بعد در آن نواحی انجام شود دست به شناسائی تاکتیکی میزدند و سپس از منطقه خارج میشدند. فرضیه رفیق صفائی آن بود که دشمن در آغاز بیش از یک گروهان ژاندارمری برای عملیات تعقیب و پی جویی اعزام نخواهد داشت و یک چنین واحدی نمیتواند مزاحمتی برای عملیات شناسائی «دسته جنگل» فراهم آورد ولی بر خلاف این فرضیه دشمن که از حمله به پاسگاه سیاهکل بطور بیسابقه‌ای وحشتزده شده بود با تمام امکانات خود وارد اقدام شد. زنده قوای ژاندارمری از اقصی نقاط کشور توسط ستاد کل ژاندارمری در تهران به سیاهکل خوانده شدند و تحت ستادی که مستشاران امریکائی در آن عضویت داشتند به عملیات پرداختند، دهها هلیکوپتر نظامی ساخت امریکا در اطراف منطقه به پرواز درآمده و هزاران مزدور بسیج شدند تا بمقابله با هشت رزمنده انقلابی بپردازند ۰۰۰۰۰۰ بهر حال «دسته جنگل» با باقی ماندنش در منطقه دچار یک اشتباه تاکتیکی بزرگ گردید که انحراف از اصل اساسی «تحرك مداوم» تلقی میشد و همین امر سبب شد که «دسته جنگل» بر خلاف انتظارش با قسوی متمركز دشمن روبرو شود و قبل از اینکه از تمرینات و تدارکات چندین ماهه خود بهره کافی بگیرد در ناحیه محدودی خود را با دشمن درگیر سازد.

بدین ترتیب چند روز پس از حمله به پاسگاه سیاهکل، رزمندگان با پیشروان دشمن درگیر شدند و آنها را در هم کوبیده و به قسب جنگل عقب نشستند ولی همین درگیری علیرغم اینکه پیروزی در آن نصیب مبارزین گردید، موجب شد که موضع تقریبی «دسته سیاهکل» برای دشمن مشخص شود و اینبار دشمن با قوای بسیار از زمین و هوا بمحاصره دست زد و چند روز بعد نبردهای اصلی سیاهکل آغاز گردید که تا اواخر بهمن و اوائل اسفند ادامه داشت. رفقای «دسته جنگل» در منطقه تحت محاصره متوالیاً بجنگ و گریز اقدام میکردند تا اینکه در اوائل اسفند نبرد نهائی در اطراف کوه کاکو در گرفت. این نبردها تماماً در شرایط بسیار دشوار و در سرمای بانزده الی بیست درجه زیر صفر صورت میگرفت و «دسته جنگل» علی رغم تمام دشواریهای طاقت فرسا به نبرد ادامه میدادند تا فریاد رزمندگان هرچه بیشتر به سراسر کشور برسد و توده‌های خلق را از مبارزه‌ای که توسط پیشگامانش آغاز گشته است با خبر سازد. در آخرین ساعات از آخرین روز نبرد، در جائیکه اکثر انفراد «دسته جنگل» مجروح و گرسنه و سرازده از پا درآمده بودند، رفقای فراموش نشدنی، رفیق رحیم سماعی و رفیق مهدی اسحاقی، هنوز آخرین سنگر را اداره

میکردند و همچنان آتش مرگ بر مزدوران دشمن مریختند و آنکه که تلوله هایشان با تمام رسید با نازنجک های ضامن کشیده خود را به صف دشمن زده و چندین مزدور دشمن را بهلاکت رسانیدند. بدین سان درخشندترین صحنه از حماسه دلاوران جنگل آفریده شد و حماسه نبردهای سیاهکل در تاریخ مبارزات خلق ما جاودانه گشت.

اگر چه «دسته جنگل» از لحاظ نظامی دچار شکست تاکتیکی گردیده اما از لحاظ سیاسی تأثیرات وسیعی در سراسر کشور ایجاد نمود و نقطه آغازی برای حرکت نوین نیروهای انقلابی ایران گردیده و همین امر بود که اساساً مورد نظر مبارزین سیاهکل قرار داشت. رفقای ما در جستجوی پیروزی نظامی و شکست قوای دشمن، با آن نیروی اندک خویش نبودند، بکنه قصدشان پایان بخشیدن به وضع استبداد مبارزات ایران بود. آذن بخواهی میدانستند که احتمال شهادت همگی انفراد «دسته جنگل» در هر نقطه از حیات مبارزاتیست. وجود دارد ولی علیرغم این مسئله آنان مبارزه مسلحانه را آغاز نمودند زیرا آنچه که در آن زمان بعنوان اساسی ترین هدف مطرح بود، سنت گذاری این شیوه از مبارزه و اثر بخشی سیاسی وسیع و تبلیغ سراسری مبارزه مسلحانه چریکی بود. در واقع رزمندگان سیاهکل در تحقق این هدف خود بموقعیت چشم گیری دست یافتند و تبره دلرانه آنها و قاطعیت و ایمانزدن مبارزه ایکه آغاز کرده بودند فضای سیاسی مهین ما را دگرگون کرد بویژه آنکه شعله های نبرد رهائی بخش خلق که در سیاهکل افروخته شد هرگز خاموش نگردید و جنبشی که در جنگل های گلستان آغاز شده بود با نبردهای سایر نیروهای چریکی در اقصی نقاط کشور پشتیبانی شد و همچنان ادامه یافت.

اساساً نخستین پیشگامان جنبش مسلحانه خلق از عملیات نظامی خود اهداف سیاسی مشخصی را تعقیب میکردند و ضمناً نتایج نظامی محدودی مورد نظرشان بود. عملیات «دسته جنگل» از لحاظ نظامی نتایجی در حد مسلح کردن انفراد «دسته جنگل» با سلاحهای مدرنی که از دشمن در عملیات بدست میآوردند و ایجاد ذخایری از اسلحه و مهمات برای ادامه عملیات و مسلح کردن انفراد جدیدیکه بانان، میپیوستند، میتوانست داشته باشد. اهداف سیاسی مورد نظر عبارت بودند از:

- ۱ - شکستن فضای خفقان بار مبارزات خلق ما.
- ۲ - بازگرداندن امید و ایمان نسبت به مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی در بین اقشار کورگون خلق تحت ستم ایران.
- ۳ - نشان دادن شیوه نوین پیکار انقلابی برعکس دیکتاتوری نظامی - پلیسی که با اتکا به تجارب امپریالیسم جهانی هر نوع مبارزه‌ای را وحشیانه سرکوب میکرد.
- ۴ - طرح عمل استراتژی و تاکتیک مبارزه مسلحانه که تنها شیوه پیکار بر علیه ستم امپریالیسم غارتگر و عوامل دست نشانده اش بود.

بنا براین عملیات چریکی در مرحله اول اساساً خصالت تبلیغی داشت و تأثیر بخشی سیاسی وسیعی پس از ۱۷ سال سکوت و خفقان در نیروهای پراکنده ما ایجاد مینمود و همین اثر گذاری و آغاز پروسه مبارزات نوین در شکل گروهی میتوانست سراسر آغازی برای شکل گیری مبارزات متشکل و وسیع نیروهای خلق و نقطه شروعی برای مبارزات آزاد بخش خلق ما باشد. نتایجی که عملیات «دسته جنگل» و بدنبال آن ادامه مبارزات مسلحانه توسط چریکهای فدائی خلق در سراسر کشور و بالاخص در مرکز و شمال کشور بجای گذاشت دشمنان بود. موج سیاسی وسیعی سراسر کشور را فرا گرفت و آناثرترین افشار خلق به ندای رزمجویانه‌ای که از جنگلهای سیاهکل برخاسته بسود پاسخ مثبت دادند و صدها رزمنده از گوشه و کنار ایران خیلی زودتر از آنچه که انتظار میرفت، سلاحهای بر زمین افتاده رزمندگان سیاهکل را بردست گرفتند و به پیکار طولانی و دشواری که آغاز شده بود پیوستند.

پس از نبرد سیاهکل با عملیات «چریکهای فدائی خلق» و بدنبال آن عملیات سایر سازمانها و گروههای پر افتخار چریکی نظیر «سازمان مجاهدین خلق ایران» و «سازمان آزادیبخش خلقهای ایران»، «گروه آرمان خلق» و غیره، بار دیگر امید و ایمان به مبارزه در دلهای زنده گردید و سایه تاریک حفات و تسلیم از چهره‌ها زدوده شد. آگاهترین عناصر خلق دریافتند که دشمن

علیرغم ادعایش قدرت مطلقه نبوده و میتوان با اتکا به نیروی ایمان و قاطعیت انقلابی مبارزه را آغاز کرد و با تکیه به دستاورد های عملی آن و متشکل ساختن صفوف خلق پرداخت و به پراکندگی سیاسی در افشار خلق پایان بخشید، از همین روی گروههای بسیاری به مبارزه مسلحانه روی آور شدند و خون شهدای بسیاری خاک میهن غارت شده ما را رنگین کرد. امروزه پس از سه سال که از آغاز مبارزه مسلحانه میگردد ما شاهد اوج گیری بیسابقه در مبارزات خلق خود هستیم. تنها در یک سال گذشته دهها گروه مخفی که به مطالعه و بررسی اسناد جنبش نوین انقلابی ایران و تدارک مبارزه مسلحانه پرداخته بودند تحت پیگرد پلیس قرار گرفتند و هزاران مبارز در رابطه با چنین فعالیتهایی دستگیر شدند و تحت شکنجه قرار گرفتند ولی فشارهای دشمن بهیچ وجه نتوانسته بر امواج مبارزینی که از پی هم میآیند فائق شود. زندانیهای رژیم بصورت یک آموزشگاه انقلابی در آمده است و مبارزین جوان در این زندانها با رموز کار انقلابی آشنا میشوند و درسهای عملی و آموزنده بسیاری در رابطه با سایر مبارزین میآموزند و همین امر در آینده از نظر تأمین کادر برای مبارزات وسیعتر خلق مانعش موثری ابقضاء مینماید، زندانیان سیاسی مهین ما علیرغم فشارهای غیر انسانی و ناشیستنی رژیم در چهار دیواری سیاه گلستان، سیونهای انفرادی و در تحت بدترین شرایط خفقان، آرمان خلق را پاس داشته و دلرانه در مقابل فشارهای دشمن مقاومت کرده و به رشد آگاهی ها و قابلیتهای خود و دیگران میپردازند و میکوشند هر چه بیشتر تجارب مبارزاتی نوین را در سطح وسیعتری بخش نمایند. یک چنین برخورد و روحیه ای در زندان، در تاریخ مبارزات مهین ما بیسابقه است.

در سال گذشته خبر درگیری سه گروه مسلح با مزدوران دشمن در جراید اعلام شده است و چندین مورد نیز پنهان نگه داشته شده و اعلام نگشته است. افزایش بسیار زیاد درگیریهای پلیس با گروهها و محافلی که با مسلح شده یا در اسفانه مسلح شدن هستند، نشاندهنده گسترش بیسابقه فضای سیاسی کشور و روی آوردن عملی آگاهترین و انقلابی ترین فرزندان خلق بسوی مبارزه مسلحانه است.

گروههاییکه بمبارزه مسلحانه روی آور شده‌اند همراه با تحمل ضربات نخستین که برای جذب تجربه انقلابی یک ضرورت بشمار میروند در کوران عمل انقلابی آبدیده شده و راه خود را همچنان ادامه میدهند. گروه مارکسیستی رفیق نادر شایگان که اولین برخوردهایش با دشمن در اواخر بهار ۵۴ صورت گرفت و ضمن این درگیریها رفیق شایگان، رفیق رومینا و رفیق عطائی با دهها مزدوری که برای دستگیری شان بسیج شده بودند شجاعتانه نبرد کرده و شهادت رسیدند همچنان مبارزات خود را در صفوف جنبش مسلحانه ادامه میدهند. مبارزات گروه مسلح رفیق گسرخ و رفیق دانشیان علیرغم ضعف باره‌ای از عناصر مردد که خود را فریبکارانه در صف خلق جی زده بودند، همچنان پا بر جاست تهاجمات قهرمانانه این دو رفیق به بورژوازی وابسته ایران و امپریالیسم جهانی در دادگاههای نظامی و دفاع از مبارزات نوین خلق ایران و همچنین دفاع از آرمان مظلوم نازکیسیم - لیننیسم در افکار عمومی کشور تأثیر عمیقی بخشیده است. اخیراً دشمن خبر اعدام شش تن از رزمندگان جوان نهایند را اعلام داشت افراد این گروه چریکی که با انهام از عملیات مسلحانه سازمانهای پیشگام فعالیت خود را آغاز نموده بودند موفق به غنیمت چشم گیری در منطقه نهایند شدند و توانستند حمایت اهالی منطقه را از اهداف خود جاب نموده و فضای منطقه را کاملاً سیاسی نمایند. بهمین جهت دشمن پس از دستگیری زنهای گروه نهایند وحی دادن هر گونه اطلاعی در مورد آنان خود داری نمود و حتی خبر تشکیل دادگاههای مسخره نظمی را نیز اعلام نداشت و تنها بانتشار خبر اعدام این رزمندگان دلیر اکتفا کرد. اینک در منطقه نهایند همه جا صحبت از «عباد خدا رحمی» و سایر رزمندگان گروه نهایند است. اهالی منطقه این جوانان پاکباز را خوب میشناسند و از این روی مبارزات و شهادت آنها تأثیر عمیقی در سراسر منطقه ایجاد نموده است. امروزه جنبش مسلحانه ایران با برخورداری از سه سال تجربه پیکارهای خونین انقلابی، همچنان راه خود را بسوی پیروزی میکوبد و بیش میروند جوانه های مبارزه بشکل بیسابقه‌ای در حال رشد و شکوفائی است. وبا

آنکه در تدارک مبارزات خود بر سطح درگیری چریکی در سرانجام روشنا میدهند همچنان فاشیست موفق این بر اجتهاد خلق را تشبیر بخورد شاید امکان مرحله که در بر عاید مراحل چه و مینمایا یافته پیشتر کارگر واقعا را از جهت عمل مبارز حمایت ایوبز اکتفا مبارز جدا بیکه نمود بردا جهت در خوا خوا دگا میگر جمع ماسك كمك به و غ خدو بشو با زهر باک امید ریز

اطلاعیه - بقیه

آنکه در سال گذشته سازمانهای مسلح پیشتاز بمنظور تدارک اقدامات سیاسی - نظامی براساس استراتژی مبارزات طولانی مشغول اقدام بوده‌اند و از حجم عملیات خود بر علیه دشمن کاسته بودند جوشش انقلابی در سطح جامعه کاملاً مشهود بوده است و گذشته از درگیریها و عملیاتی که از جانب نخستین سازمانهای چریکی صورت گرفته است - بر خوردهای مختفی که در سراسر کشور از جانب گروههای نو خاسته مسلح انجام گرفته فضای مبارزات رهایی بخش خلق ما را روشنایی و ویژه‌ای بخشیده است و بار دیگر نشان میدهد که مبارزات ما چگونه در زیر شدیدترین ضربت همچنان بگسترش خود ادامه میدهد و رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه علیرغم تمام تلاشهای جانپنازانه اش موفق باصحاء انقلابیون در عرصه میهن ما نگشته است ، این بروشنی نشان میدهد که مبارزات نوین يك نیاز اجتماعی در میهن ما بوده و از همین روی مورد حمایت خلق قرار گرفته و فرصت آن را یافته است که خود را تثبیت نماید امر تثبیت جنبش مسنحانه قطعاً بدون برخورداری از حمایت خلق در شرایط حقیقت باری که شاید در سایر کشورهای جهان بیسابقه باشد ، هرگز امکان نداشت .

جنبش ما در رابطه با این واقعیات اکنون به مرحله‌ای رسیده است که میتواند بمیان توده‌های خلق که در دو دهه اخیر از هر نوع تجربه مبارزه سیاسی بر علیه رژیم محروم بوده اند منتقل گردد . امروزه عناصر پیشرو خلق عملاً از مبارزه مسلحانه حمایت میکنند و این امر انرژی لازم را برای اجرای مراحل استراتژیک بعدی که همان توده‌ای کردن هر چه بیشتر مبارزات نوین رهاییبخش خلق است ، تأمین مینماید .

سازمان ما اینک در رابطه با تثبیت خود امکان آنرا یافته است که تجارب نظامی و تشکیلاتی خود را هرچه بیشتر در خدمت رشد آگاهی و گسترش مبارزه طبقه کارگر ایران قرار دهد .

ما همچنان میکوشیم دوش سایر سازمانهای واقعا انقلابی ایران مبارزات ضد امپریالیستی خلق را اعتلا بخشیم و هرچه بیشتر این مبارزات را در جهت مترقی تری سوق دهیم .

ما هر نوع مبارزه واقعی و عملی که حول محور عمل مسنحانه صورت بگیرد و نتیجه اش رشد آزادی مبارزاتی خلق باشد تأیید میکنیم و تا حد امکان از آن حمایت مینماییم . اما قویا معتقدیم تشکیل گروهی ایزدیسویون که فقط به اتخاذ مواضع سیاسی صرف اکتفا میکنند و از عمل انقلابی بدورند ، در جهت مبارزات واقعی خلق ما نیست این گروهها که بخاطر جدائی از عمل انقلابی تنها کارشان حملات ایدئولوژیک بیگانه یگر میباشد باید در خط مشی خود تجدید نظر نموده و حد اقل اینک به حفظ مواضع سیاسی اکتفاء نکرده و در جهت تئوریاتی که ارائه میدهند کام عملی بردارند . البته ما معتقدیم که هرآینه این سازمانها در جهت اجرای خط مشی خود کام عملی بردارند خیلی زود در مدتی کمتر از چند ماه متوجه خطاهای نظری خود خواهند شد و در نحوه کار خود مسلماً تجدید نظر خواهند نمود و برای همیشه نظریات الگو وار و دکامیستی خود را که باعث به هدر رفتن انرژی مبارزین بگردد بدور خواهند افکند .

بنظر ما « تنها ملاک حقیقت عمل است » و تنها معیندی عملی تجارب انقلابی در شرایط ویژه میهن است که میتواند به رشد عامل ذهنی در مبارزات ما کمک نماید و گر نه هر نوع مقایسه الگو وار بدون توجه با فاکتورهای موجود در جامعه ایران برخوردی غیر متعهد غیر انقلابی و یا بهتر بگوئیم ضد انقلابی است .

تمام کسانیکه صادقانه میخواهند به مبارزات حق ایران یاری رسانند میباید خود را برای مبارزه ای شوار و طولانی آماده نمایند . انقلاب رهاییبخش خلق بخاطر شرایط ویژه ای که در آن رشد میکند نیاز به بروائی بسیار مقاوم و انقلابیون بسیار صادق و کاز دارد . مبارزین خلق ما اینک بخوبی این تجربه درک میکنند و خود را برای نبردی دشوار و طولانی آماده میسازند .

بیکار انقلابی میهن ما از سایر کشورهائیکه درگیرهای ایران را ندارند بصراحت دشوار تر میباشد و

چند گانه دارند . امپریالیسم جهانی و در رأس آن ایالات متحده امریکا علاوه بر منافع ناشی از سرمایه گذاری وسیع و استثمار نیروی کار طبقه کارگر ما ، داری منافع و علایق اساسی دیگری نیز در ایران هستند .

امپریالیستها برای حفظ سرپلهای استراتژیک خود در خاورمیانه و اقیانوس هند و همچنین بمنظور جراست و کنترل عظیم انرژی که در زیر آبهای خلیج فارس و سواحل شمالی آن نهفته است ، از هر تلاشی برای جلوگیری از مبارزات خلقهای منطقه خود داری نخواهند کرد و ایران در این میانه نقش اساسی را ایفا مینماید . امپریالیستها که منافع حیاتی خود را از جانب جنبش رهاییبخش خلق ایران در خطر مبینند از اینرو بیشترین امکانات مادی و بیشترین دستاوردهای خود را در جنگهای ضد انقلابی در اختیار رژیم ایران قرار میدهند و با تکنولوژی عظیم نظامی و مستشاران نظامی خود رژیم ایران را در مقابل انقلابیون تقویت مینمایند .

امپریالیستها نیک میدانند که جنبش رهاییبخش خلق ایران نقش اساسی در سر نوشت انقلاب منطقه دارد از اینرو برای امحاء آن از هیچ کوشش فروگذار نخواهند کرد . امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه امروزه اتحاد سیاهی تشکیل داده و میکوشند با تمام قوا از رشد نیروهای انقلابی در سطح منطقه جلوگیری نمایند . رژیم شاه در این اتحاد سیاه امروزه نقش عمده ای بر عهده گرفته و بیک واسطه اعمال قهر ضد انقلابی ، در منطقه تبدیل شده است . در سال جاری رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با ظاهر سازی در این زمینه که

موضوعی « مستقل و ملی »! دارد بهانه های ساختگی بمنظور حفظ امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز بمنظور حفظ منافع امپریالیستی به وسیعترین تدارکات نظامی دست زده است . خرید سه میلیارد دلار اسلحه امریکائی توسط رژیم شاه و اعزام یازده هزار سرباز ایرانی بکنور عمان بمنظور مقابله با جنبش آزاد بخش «ظفار» ، نشانه بارز یک توطئه امپریالیستی بر علیه مبارزات خلقهای منطقه است . درسال گذشته رژیم شاه با اضافه در آمدی که از طریق جنگهای طاهری و عوام فریبانه از کمیتهای نفتی بدست آورده است در زمینه توسعه تاسیسات نظامی و پلیسی بطرز بی سابقه ای سرمایه گذاری کرده است . بدینترتیب اضافه پرداختهای کمیتهای نفتی امریکا همگی در جهت حفظ و جراست از غارتگری خود آنها در منطقه خلیج به

صرف میرسد و شاه بمثابة بهترین آلت اجرای مقاصد امپریالیستی ، نقش پاسداری از این غارتگری را بر عهده گرفته است . ضمناً منابع عظیمی از این اضافه پرداختهای بی شمار نفتی از طریق شرکتهای مقاطعه کاری امریکائی که تمام ساختمانهای نظامی توسط آنها مقاطعه شده است به جیب کمیتهای امریکائی باز میگردد و در این میان خلق زحمتکش ایران است که میبایست بار این مخارج سرسام آور را تحمل نماید .

گذشته از این شاه خائن این نوکر سرسپرده استعمار نوین به انعقاد قرار داد های اقتصادی با کشورهای امپریالیست و تقاضای هر چه بیشتر برای سرمایه گذاری در ایران ، نیروی کار طبقه کارگر ما را بهمراه تمامی منابع زیر زمینی میهن ما در ازای حقیقت دلالی مختصری ، بخارجیان واگذار نموده و خود به نگهبانی از این غارتگری نشسته است .

خلاق مبارز ایران ! همانطور که بیان داشتیم ما برای رهایی از قید ستم امپریالیسم و ارتجاع راهی دشوار و طولانی در پیش داریم و در این راه قربانیهای بسیار خواهیم داد ولی جنبش رهایی بخش خلق ما علیرغم تمام دشواریها راه خود را بسوی پیروزی باز خواهد کرد و همراه با سایر جنبشهای آزادی بخش منطقه ، نقش خود را در نابودی ستم امپریالیستی در ایران و سراسر منطقه ایفا خواهد نمود . ما از تمام نیروهای اصیل و واقعا انقلابی ایران دعوت میکنیم که صفوف خود را متشکل تر نسوده و در زیر پرچم واحدی گرد هم آیند .

- درود بی پایان به رزمندگان جنبش سیاهکل
- برافراشته باد پرچم سرخ جنبش
- ۱۹ بهمن
- بر قرار باد اتحاد تمام نیروهای انقلابی ایران

بیاد رفیق شهید - بقیه

و کلنک سر دست مردم که همراه با مارشهای انقلابی تمام صحنه را پر میکنند . (توضیحات جزئی راجع به فیلم از حافظه دو سه نفر که با قسمتهائی از آنرا دیده‌اند و یا از دیگران که موفق بدیدن این فیلم شده بودند ، شنیده‌اند ، استخراج شده و بنابراین زیاد دقیق نیست) این فیلم توسط هیئت نظارت از جمله غفاری و قطبی و چند نفر دیگر «خطرناک» تشخیص داده میشود و کرامت الله دانشیان از تلویزیون اخراج می‌شود .

فیلم او را در آرشیو تلویزیون ضبط کردند ، و بکسی اجازه دیدن آنرا نمدهند ، حتی به دانشجویان رشته کارگردانی ولی با وجود این بعضی از دانشجویان مخفیانه آنرا دیده‌اند و از آن بعنوان نمونه يك فیلم خوب و مردمی یاد میکنند .

رفیق در حین تحصیل در تلویزیون در کلاسهای اکابر شبانه مدرسه شکوهنده مشغول تدریس بود و بدینترتیب ارتباطش را با توده مردم و خصوصاً کارگران حفظ میکرد . پس از اخراج از تلویزیون بار سفر را بست و بعنوان معلم بچه ها راهی دهات خوزستان و لرستان شد و پس از مدتی کمتر از یکسال بهمت فعالیتهای سیاسی دستگیر شد و به تهران منتقل گردید . در بیدادگاه نظامی بیكسال حبس محکوم شد و این مدت را در زندان شماره «۳» قصر سپهری نمود . در زندان همراه با باک نژاد و دیگران فعالانه در مقاومتهای زندان و از جمله در چندین اعتصاب غذا شرکت فعال می‌نمود .

در همین ایام همراه با چند تن دیگر از مبارزین و از جمله شکرالله پاک نژاد به تنبیه جاسوسانی که از طرف ساواک در بین زندانیان رخنه کرده بودند اقدام نمود . پس از دوره محکومیت در سال ۱۳۵۰ از زندان آزاد شد و چون سازمان امنیت وجود او را در تهران «مضر» میدید او را بجزوه قضائی نظامی شیراز تبعید کرد . همزمان با جشنهای ننگین دو هزار و پانصد ساله بار دیگر او را بزندان افکندند و پس از رهایی از زندان بعنوان سر کارگر در يك شرکت ساختمانی مشغول بکار شد محل کار او از شهر دور بود و رفیق ناگزیر بود هر روزه از هفت صبح تا نه شب برفت و آمد و کار طاقت فرسا بردارد . و حقوق ناچیزی را که میگرفت صرف مخارج خانواده کند تا نزد پدر ساواکی نباشند . در تمام این مدت دست از مبارزه و یاد گیری بر نداشت در این دوران رفیق دانشیان همراه با رفیق گلرخی و عده‌ای دیگر از مبارزین مرفق به تشکیل گروه مسنحی میشوند که این گروه مطابق بیانیه چریکهای فدائی خلق همچنان به مبارزه اش ادامه میدهند . رفیق را در اوائل سال ۵۲ هـ همسراه بعضی از افراد گروه باز داشت کردند . رفیق کرامت الله دانشیان و رفیق گلرخی علیرغم ضعف بارهای از عناصر مردد و فریبکار که خود را در صف خلق جا زده بودند به تهاجمات جانانه ای علیه رژیم مزدور پهلوی و امپریالیسم جهانی در بیدادگاه های رژیم دست زدند دفاع این رفیق از آرمان طبقه کارگر ایران و مواضع والای مارکسیسم نتینسم توجه همگان را بخود جلب نمود . او بالاخره پس از شکنجه های فراوان در ۲۹ بهمن ماه ۵۲ بدست جلاان شاه در میدان تبر پشهات رسید . زندگی و مقاومت حماسه آنرین رفیق کرامت الله دانشیان درس بزرگی برای همه انسانهایی است که جز به خلق و آرمانهای خلق فکر نمی‌کنند . یاد او نیز در کنار شهیدان دیگر خلق همیشه جاویدان باقی خواهد ماند .

پر شود و پر شود تر باد یاد رفیق شهید کرامت الله دانشیان

اخبار - بقیه

دیگری در سیلوی تبریز واقع در خیابان زاه آهن رخ داد .

★ در بم یکی از شهرستانهای استان کرمان بدنبال دستگیری وحید منتظریان ، حسن دانش بهزادی و حسین ناصر رفقای آنها نیز باسامی علیرضا اسد پور ۱۷ ساله محصل سال ششم طبیعی - ناصر فروزان ۲۰ ساله محصل سال ششم طبیعی بیژن عامسری ۳۰ ساله - صد بنی ابراهیمی ۱۷ ساله محصل سال

باختر امروز

بقیه - اخبار

توت الثورة (صدای انقلاب) هفته نامه کمیته تبلیغاتی جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی «شماره ۱۰ شنبه اول ژوئن ۷۴»

دامه عملیات جنایتکارانه ، نازی مایانه و وحشیانه

سیاست در هم کوبیدن ، سوزاندن و نابود کردن که نیروهای متجاوز ایرانی علیه توده های خلق و کشور عمان در منطقه جنوب - قطفا - در پیش گرفته اند ، همچنان ادامه دارد .

نیروهای ایرانی در منطقه مسکونی «کیزت اخیف» دهها کتبه را با آتش کشیدند و در نتیجه این عمل جنایتکارانه و کینه توزانه دهها خانواده آواره گردیدند . سحرگاه روز ۱۸ ماه مه گذشته نیروهای ایرانی منطقه مذکور را محاصره کرده و مردم را به زور و با تهدید سلاح از کلبه هایشان بیرون کردند . سپس با کتک و توهین آنان را که اکثر کودک و زن و پیرمرد بودند مورد تعدی قرار دادند .

ایرانیها میگفتند : (عمانی سگ ، این زمین مال شاه ، نه مال تو ، باید شما مال فارس باشید نه مال عرب ، باید پرچم شاه بالای این زمین باشد) (با لهجه عربی شنیده نوشته شده - باختر امروز) سپس نیروهای ایرانی به تفتیش کلبه های منطقه پرداختند و هر چه در آن بود غارت کردند و آنگاه باقی مانده را آتش زدند ، آتش تمام کلبه ها را فرا گرفت و طعمه خسود ساخت ، از جمله حیواناتی را که در آنها بسته شده بودند .

برخی از مردم در برابر این عملیات نازی مایانه و وحشیانه اشغالگران ایرانی مقاومت کردند ، تجاوز تاران آنان را شدیداً کتک زده ، سپس آنان را بوسیله هلیکوپترهایی که این عملیات جنایتکارانه شان را حمایت میکردند به صلاکه بردند . در این جریان ۱۳ نفر دستگیر شدند که از سرنوشتشان هنوز هیچ خبری در دست نیست ، همچنین دهها خانواده اکنون بدون سرپناه و بدون غذا آواره اند .

ما این خبر را از رادیوی رژیم ارتجاعی صلاله نقل کردیم که در همان روز وقوع جنایت خیرش را اعلام کرد . این عملیات غیر انسانی بیانگر حس کینه و نفرتی است که ارتجاع پهلوی نسبت به هر فرد عمانی و هر فرد عرب دارد و آنرا در یکایک افراد نیروهای تجاوزکارش نیز نشانده است همچنین بیانگر طمع ورزیهی تجاوز کارانه و توسعه طلبانه اوست علیه وطن ما و خلق ما در عمان و علیه ملت عرب قهرمان ما تمام آزادخواهان و نیروهای مترقی و متمدن چهار میخوانند که این اعمال و شیوه های وحشیانه و نازی مایانه ارتجاع ایران که در همدستی با ارتجاع قابوسی دشمن خلق ما و خواستها و آرزوهای ملی و میهنی اش صورت میگیرد ، پایان یابد . و همه این عملیات راجحکرم میکند (۱) .

(۱) بهمن ادورن : اعلامیه ای به منظور دفاع از جنبش خلق عمان (ظفار) توسط سازمان ما و سازمانهای فسطینی و تعداد دیگری از سازمانها در تاریخ هشتم ژانویه ۷۴ امضاء شد این شبیه را در پاره ای از معادل و مطبوعات (منجمله نوموند دیپلماتیک) بوجسود آورده است که ما کلیه سازمانهای امضاء کننده اعلامیه را مورد تأیید قرار داده ایم . این تصور مبتنی بر واقعیت نیست . غرض ما از امضاء این اعلامیه تأیید ضمنی سازمانها و خط مشی و اهداف امضاء کنندگان ، منجمله پاره ای از سازمانهای قسطنطنیه و نیز سازمانهایی که تحت عنوان اقلیت های ملی ایران اعلامیه مزبور را امضاء کرده اند «حزب دموکرات کردستان (ایران)» ، «جبهه آزادیبخش اهواز» ، «جبهه خلقی برای آزادی بلوچستان» () و نیز سازمانهای دیگری مانند «جبهه آزادیبخش زنگبار» نبوده است . ما معتقدیم که مسئله ملی در ایران از بفرنج ترین مسائل ایران که در طی چندین دهه گذشته ، غیرمحمول و غیر قابل حل آن زحمت آن غفلت شده و محتاج بررسی و پیر خورد علمی و همه جانبه است . تا زمانی که چنین بررسی و برخوردی بعمل نیامده و نیز گرایش های درست در دوزن این سازمانها موقعیت تعیین کننده را نیافته ممکن نخواهد بود که سازمانی را در کلیتش مورد تأیید قرار داد . ما بهسم خود میکوشیم که بخاطر احترام عمیق به حقوق اقلیت های ملی ایران و سعی در بوجود آوردن محصل

کتابسوزی نابود کرده است .
* بیش از بیست نفر اخیراً در همدان دستگیر شده اند .
* سال قبل یکی از فرزندان آیت الله آخوند همدانی بطریق مرموزی توسط رژیم کشته شد ولی رژیم اعلام کرد که در یک زد و خورد خیابانی قتل رسیده است . اکنون شایع است که یکی دیگر از فرزندان ایشان نیز شهادت رسیده است .

* در تظاهرات اسفند ماه دانشگاه تهران که بمناسبت شایع شدن خبر اعدام قهرمانان دلب گلسرخي و دانشیان برپا شد ، (رژیم هنوز خبر اعدام این دو قهرمان را جرات نکرده در ایران اعلام کند) عده کثیری از دانشجویان ، گل سرخ هم سینه زده و با شعار گلسرخي ، زنده باد گلسرخي ، زنده باد گلسرخي و دانشیان ، اعتراض شدید و پر دامنه ای بعمل آوردند . میزان حمایت فوق العاده دانش آموزان و دانشجویان و توده مردم از این قهرمانان نشان دهنده آست که حمایت معنوی توده ها از مبارزین مسلح در حال گسترش میباشد و دارد باوج خود می رسد . هتکامیکه این رابطه معنوی به رابطه سازمانی تبدیل شود هیچ چیز نمیتواند جلوی سیل خروشان و بنیادافکن خشم خلق و سرنوشتی طبقه حاکمه وابسته بامپریالیسم را بگیرد .

* در تاریخ پنجم فروردین یک گروه مسلح جدید در قزوین باخلع سلاح یک پاسبان ، آغاز فعالیت خود را اعلام داشت . پاسبان مزبور طی درگیری ، بعلت متاومت کشته شد .
* دانشگاه جندی شاپور اهواز از آذرماه تاکنون ناکنون ۸۰ نفر دستگیر شده اند .
* دانشجوی سال هفتی ، مبارز قهرمان ضیاء الحق در بهمن ماه در زیر شکنجه شهادت رسیده است .
* دانشجویان فنی دست بتظاهرات وسیعی زدند و رژیم مجبور به تعطیل دانشگاه شده است . پلیس حتی محل دین این مبارز دلیر را بستانوازه اش بیهوشید و نیز پرویز خدمت جو از حزب زوده نه از هشت سال پیش در زندان بسر میبرد در زیر شکنجه شهادت رسیده است .

* تا بحال خلیل طباطبائی (دانشجوی آریاهر) ، سید خلیل طباطبائی (دانشجوی دانشکده آریاهر) ، سید رضا دیباج ، و ضیاء الحق هر سه بدلیل ارتباط با مجاهدین و داشتن جزوات آنها زیر شکنجه شهید شده اند . نکته ایکه باید بدان توجه کرد اینکه وحشیگری بی اندازه کمیته و ساواک تنها بدلیل اوچگری مبارزه در میان توده هاست . شکست رژیم در ریشه کن کردن جنبش برایش خیلی دردناک است . شدت یافتن وحشیگری رژیم نشاندهنده موفقیت مبارزه مسلحانه ، کارائی آنو حمایت کم سابقه مردم از آن است .
* در اثر یورش پلیس به خوابگاه دانشجویان کشاورزی کرخ ۵۹۰ دانشجوی دستگیر شده اند .
* چند کلاس دانشکده دامپزشکی در اثر اعتصابات دانشجویان - در اوایل اردیبهشت - تا اطلاع ثانوی تعطیل شده است .

* دانشجویان مبارز ایرانی در هندوستان در تاریخ ۲۳ مارس ۷۴ تظاهراتی بمنظور دفاع از زندانیان سیاسی ایران در بمبئی برگزار کردند . سپس استان مهاراشترا سه نفر از آنان را اخراج کرد و حکم باخراج ۴ نفر دیگر داد . عده ای از دانشجویان بلافاصله دست باعتصاب غذا زدند . سازمان ما بلافاصله بطور رسمی بدولت ایندیرا گاندی اعتراض کرد و خواستار لغو فرامین اخراج شد . این عمل که نشان دهنده ماهیت واقعی پلیس مهاراشترا است ، هنگامی صورت گرفت که رژیم ایران با مانورهای درصدد تطمیع دولت هند برآمد . اقدامی بود از طرف رژیم هند بمنظور آماده کردن زمینه تقاضم هنگام مسافرت ایندیرا گاندی بایران . ما پشتیبانی کامل خود را از دانشجویان مبارز ایرانی مقیم هند ابراز می داریم .

* در اوایل اسفند ۵۲ در زندان تبریز زد و خوردی بین پلیس و زندانیان سیاسی رخ داد که ضمن آن پاسبانهای زندان شدیداً کتک خورده و چند نفرشان به سختی مضروب شدند .
* ساعت نه ونیم روز پنجمشنبه ۱۶ اسفند ماه ۵۲ انفجاری در محوطه بانک ملی شعبه تبریز رخ داد ، بدنبال آن یک بمب ساعتی نیرومند در محوطه مقابل ساختمان کشف و خنثی گشت . در همان روز انفجار

چندمین بار دستگیر کرده اند همچنین گفته می شود روحانی مبارز آقای غلامحسین کرباسچی تهرانی که در تبعید در بم پسر میبرده اخیراً دستگیر و در زندان کمیته تحت شکنجه میباشد .
* آیت الله منتظری که مدتی قبل بخاطر مبارزات خود به طیس تبعید شده بود ، در همانجا هم بمبارزات خود ادامه داده و مورد حمایت قاطبه مردم قرار گرفته بود از طرف رژیم دستگیر و بمشهد اعزام میشود و سپس به طیس بازگردانده شده ولی زندانی میشود . قریب پنجاه نفر از مردم این شهر که از زندانی شدن او مطلع میگرددند حمایت کم نظیری از ایشان بعمل میاورند و با گرد آمدن بدور زندان اعلام میکنند که زندان را ویران خواهند کرد . عمال رژیم از ترس وخیم شدن وضع فوراً ایشان را آزاد میکنند .
* در تاریخ ۱۷ بهمن ماه ۵۲ رفیق یوسف زرکار کارگر مبارز و عضو سازمان چریکهای فدائی خلق طی یک زد و خورد در خیابان چهار باغ اصفهان پس از از یاد آوردن یک مزدور و مجروح کردن دیگری درحالیکه تحت محاصره تعداد کثیری از نیروهای دشمن بود ، شهادت رسید .
* در آینده اطلاع بیشتری در مورد سابقه درخشان این رفیق کارگر درج خواهیم کرد .
* دانشکده های علوم و پزشکی اصفهان در تاریخ سوم اسفند ۵۲ بمناسبت سآمد یورش رژیم بداسنده جریز (۵ اسفند ۵۱) اعتصاب کردند . در تاریخ ۵ اسفند دانشگاه تبریز در اعتصاب نرو رتت و حدود ۳۰ نفر از دانشجو یان تبریز از داسنده اخراج و پسر بازی فرستاده شدند . نظاصهرات دانشجویان دانشگاه تهران نیز در روزهای چهارم و پنجم اسفند بود .
* حرکت شدیدی در بین روحانیون آزاد میخواند بمنظور افشاکردن چهره روحانی نمایان همکار رژیم یا بصطلاح بی طرف صورت گرفته است . در یک نمونه حدود ۵۰۰ نفر از روحانیون مبارز در قم بخانه آیت الله کتپایکانی رفتند و نسبت به فرزند وی که همکار ساواک است ابراز تنفر کردند و خواستار شکستن سکوت از جانب خود او شدند .
یکبار دیگر لوشش رژیم برای جلوگیری از مبارزات اشتی ناپذیر ایت انه حمینی مرجع شیعیان جهان علیه رژیم دست نشانده و روحانی نمایان خود فروخته بی اثری ماد و جز این هم معنی نبود . اینبار رژیم دست بدامان روحانی ساده دلی چون حاج آقا قاسم حائری زاده ندند تا توسط حجة الاسلام حاج پسنده (براند آیت الله خمینی) وسیه آشتی را فراهم سازند ، ولی رژیم بازم شکست خورد و صدبار دیگر نیز شکست سزاهد خورد . ملاک روحانیون معتقد و مبارز کارهائی است که رژیم میکنند و نه وعده و وعیدها ، و این نیز مسلم است که رژیم خود فروخته ای مانند رژیم ننگین پهلوی هرگز نخواهد توانست کاری درجهت منافع عیچیک از طبقات و اقشار خلق ایران انجام دهد . مبارزات روحانیون مترقی ایران برخبر آیت الله خمینی و سایر روحانیون غیر و روز بروز اوج خواهد گرفت .
* جواد صادق برادر خردسال مجاهد شهید ناصر صادق دستگیر شده است .
* سید مجتبی طالقانی فرزند آیت الله طالقانی ، تحت تعقیب پلیس قرار گرفته است .
* ثقة الاسلام آقای حسن زاده کاشمیری دستگیر و زندانی شده است .
* چندین کتابفروشی منجمله کتابفروشی افتخاری و اسلام و شرکت سهامی انتشار مورد غارت مزدوران پلیس قرار گرفته اند . صاحب کتابفروشی افتخاری و صاحب کتابفروشی اسلام تهران زندانی شده اند . جرم این افراد فروش کتب آیت الله خمینی و سایر انتشارات روحانیون مبارز بوده است . رژیم این کتابها و کتابهای تنکابنی و نویسندگان مترقی دیگر را در مراسم

مناسب برای احقاق این حقوق مسلم ، با گرایش های نادرست مخالفت کرده و گرایشهای درست را تقویت کنیم .
امضاء اعلامیه به دفاع از جنبش خلق مبارز عمان ، غیرمحمول همه مشکلات موجود ، کوششی است در این زمینه ، و در جیتی است منطبق بر حمایت از خلق عمان و مبارزه با رژیم مغفور و دست نشانده شاه که این خلق دلیر را تحت تجاوز وحشیانه نظامی خود قرار داده است .